

سرمقاله

حضور در هیئت تحریریه برخی مجلات، به شرط آنکه تنها اسمی و تشریفاتی نباشد، و بررسی مقالات رسیده و داوری شده و همچنین داوری برخی مقالات برای نشریات مختلف دست کم این اشراف نسبی را برای فرد فراهم می کند که بتواند مسیر پژوهش دانشگاهی و فرازوفرود مقاله نویسی را از نزدیک دنبال کند.

چندسالی است، کم تر از دو دهه، که مقاله نویسی فارسی ظاهراً به تبعیت از رویکردی جهانی، که عمدتاً ممکن است در برخی از حوزه های علمی و در نهایت علوم اجتماعی صادق باشد، با پیدا کردن قالب و ساختاری مشخص به یکنواختی دل آزاری روی آورده و با حضور در بدنه پژوهش های آکادمیک و تحمیل بر ذوق و پسند و سلیقه داوران دانشگاهی، به درون ضوابط اداری و آیین نامه های ارتقا نیز رسوخ یافته است. خطر این رویکرد یکنواخت کردن همه دانش ها و قالب گیری ذهن ها و سلب خلاقیت و ابتکار از پژوهشگر است که راه را بر هر نوآوری و ابتکاری می بندد و نمی گذارد متناسب با دانشی که با آن سروکار دارد به پژوهش پردازد و راه کشف حقیقت را آزادانه و منطبق بر اصول پذیرفته هر علم پیدا کند. در این میان دانشی مثل فرهنگ عامه بیش از همه در معرض انحراف قرار می گیرد. فرهنگ مردم عرصه تنوع است. در هر منطقه و هر دوره ای مردمان با شیوه ای متناسب با زمان و محیط، تجربه زیسته و خاص خود را به صورت مختلف به یادگار گذاشته اند. بر پژوهشگر امروز فرض است که با آن شیوه آشنا باشد و راه رسیدن به آن را با امکانات امروزمین پیدا کند، راه و رسم پژوهشگران پیش از خود را بشناسد و از دستاوردهای درست آن بهره مند شود. در این مورد اکتفا کردن به فضای مجازی و اینترنت، که عمری فراتر از رسمیت همین مقاله نویسی قالبی ندارد، کفایت نمی کند. بسیاری از پژوهش های مردم شناسی و فرهنگ عامه پیشینه ای دیرازتر از عصر اینترنت دارد. در ایران اگر هدایت، کوهی کرمانی و صبحی مهتدی را نخستین کوشش گران فرهنگ مردم بدانیم، هم اکنون نزدیک به یک قرن از آغاز این دانش می گذرد. پژوهشگران امروز از نتایج مطالعات و دستاوردهای علمی آنان بی نیاز نیستند و در پژوهش های خود باید از آنها بهره مند باشند.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که دلبستگی بیش از حد لزوم به مکاتب، نظریه‌ها و شیوه‌های غربی، که عمدتاً در زمینه‌های علوم تجربی کارساز است، برای مطالعات فرهنگ عامه کارگشایی لازم را ندارد و باید در استفاده از آن‌ها نهایت احتیاط و صرفه‌جویی را به‌عمل آورد.

گذشته از پژوهش‌های میدانی که حاصل آن‌ها سان و سیرت خاص خود را دارد، دیگر پژوهش‌های فرهنگ مردم و مقالاتی را هم که در این حوزه‌ها نوشته می‌شود نمی‌توان در قالب واحدی ریخت یا با سنجه‌های رایج در علوم تجربی یا حتی علوم اجتماعی و جغرافیا ارزیابی کرد. بسیاری از این پژوهش‌ها توصیفی و فاقد فرضیه و آورده ویژه‌ای است، چنان‌که گاهی نتیجه کار هم در نفس پژوهش باید جست‌وجو شود. با این انگاره است که نشریه فرهنگ عامه می‌کوشد راه را برای پژوهش‌های آزاد و ابتکاری که باتوجه به موضوع کار قالب خاص خود را پیدا کرده است، باز بگذارد.

محمدجعفر یاحقی